

قدم اول توسعه کشور فرهنگ کار آفرینی به جای فرهنگ واسطه‌گری

● سعید فتح‌اللهی‌راد

چکیده

در این مقاله ابتدا به معرفی گروه کار آفرینان در نظریه جوزف شومپیتر پرداخته و سپس به عنوان یکی از مهمترین عوامل پیش‌برنده توسعه فعلی کشور، وضعیت کار آفرینی در کشور را می‌سنجیم، سپس نقش و توجه دولت به این مقوله در برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را بررسی کرده و در نهایت پیشنهادهایی جهت ایجاد بستر فرهنگ و اجتماعی لازم، برای تشکیل طبقه کار آفرین عنوان می‌کنیم.

■ گروه کارآفرینان در نظریه شومپیتر
جوزف شومپیتر از اقتصاددانان و فیلسوفان آغاز قرن بیستم است که اکثر نظریاتش هنوز از اعتبار علمی برخوردارند. شومپیتر کتابهای با ارزشی همچون «نوسانات تجاری» و «مچنین» «سرمایه داری»، «سوسیالیسم و دموکراسی» و از همه مهمتر کتاب «تئوری توسعه اقتصادی» را به رشته تحریر در آورده است.

معرفی طبقه کارآفرینان *Entrepreneurs* به عنوان گروه خلاق و ریسک‌پذیر در کتاب «تئوری توسعه اقتصادی» تبیین گردیده است و تا به امروز نیز مطالعه و بررسی بیشتر در مورد طبقه کار آفرینان در قلمرو علم توسعه ادامه یافته است. تا قبل از نظریه شومپیتر، اقتصاددانان تجمع سرمایه (از طریق پس انداز) را عامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی می‌پنداشتند و نظریات توسعه بر مبنای این محور بیان می‌گردید. ولی به اعتقاد شومپیتر



عامل اصلی توسعه و به عبارت خودش «شاه فنر» توسعه کار آفرینان می‌باشند و تجمع سرمایه عامل بعدی است که کار آفرینان مبادرت به تشکیل آن می‌کنند. مطابق زیر کار آفرینان

تجمع سرمایه

توسعه بیشتر

مدل رشد شومپیتر

تجمع سرمایه

توسعه بیشتر

مدل رشد پیشینیان (کلاسیکها). طبق تعریف شومپیتر کار آفرینان افرادی ریسک‌پذیر و خلاق بوده و دارای ویژگیها و گرایشهای زیر هستند:

۱. تولید کالای جدید:

کار آفرینان گروهی مولد هستند و بر اساس تعریف شومپیتر کار آفرین کسی است که کالای جدید به بازار ارائه دهد.

البته لازم به ذکر است که شومپیتر در اوایل قرن حاضر نظریه‌اش را آرایه داده و در آن زمان بخش خدمات در اقتصاد به شکل امروزی وجود نداشته است. امروزه تعریف کار آفرینی شامل بخش خدمات و بازرگانان نیز می‌گردد.

۲. یافتن بازارهای جدید:

کار آفرینان به دنبال یافتن و گسترش بازار جدید تولیداتشان هستند.

با مطالعاتی که شومپیتر در مورد تاریخ اروپا انجام می‌دهد به این نتیجه می‌رسد: که کار آفرینان، اروپای قرن پانزدهم را که اقتصادی معیشتی (تولید و مصرف مستقل خانواده‌ها و مبادلات بسیار کم و محدود) داشت به اقتصادی ملی (تولید و مصرف و مبادله در سطح ملی) تبدیل کردند و همانند رفتار زنبور عسل بازارها و بخشهای مختلف اقتصاد را به هم وصل کرده و اقتصاد ملی را شکل دادند.

کار آفرینان بعد از این مرحله به سوی اقتصاد فرامولی حرکت کردند (همکاریها و قراردادهای منطقه‌ای و گروهی کشورها).

۳. یافتن مواد خام جدید

این گروه همواره به دنبال یافتن مواد خام جدید برای پروسه تولیداتشان هستند و از این طریق همواره سعی دارند تا میزان وابستگی و در نتیجه ضربه پذیریشان را به بازار یک ماده خام کاهش دهند. به عنوان مثال می‌توان استفاده شرکت کوکا کولا از شکر مصنوعی به جای شکر طبیعی که انحصارش در دست کشورهای آمریکای جنوبی بود، را نام برد. این عمل قیمت شکر را در آمریکای جنوبی به قیمت قبلیش رسانید.

و یا در مورد خرید نفت، کار آفرینان چون جانشین مناسبی برای آن ندارند سعی در خرید از گروه کشورهای فروشنده نفت دارند. در مقیاس منطقه‌ای می‌توان به تشکیل گروه کشورهای OECD (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی) که عمدتاً خریداران نفت می‌باشند در برابر گروه اپک (فروشنندگان نفت) پس از بحران نفتی و افزایش یکباره قیمت نفت ناشی از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل اشاره کرد.

۴. روشهای جدید تولید

کار آفرینان با استفاده از عوامل تولید (زمین، کار و سرمایه) و بهینه سازی کمیت و کیفیت و ترکیب عوامل تولید به دنبال روشهای جدید تولید با بهره‌وری بیشتر می‌باشند و شاید یکی از دلایل پایین بودن تولیدات کشورهای جهان سوم که عمدتاً در منابع عوامل تولید غنی هستند به همین عامل بر می‌گردد. به این صورت که در ترکیب این عوامل و سازماندهی تولید از طریق مدیریت صحیح و افزایش بهره‌وری ضعیف هستند.

۵. تشکیلات و سازمان جدید

هنر مدیریت سازمانها و ایجاد سازمانهای کارآتر و کنترل و اداره آنها جزء ویژگیهای طبقه کار آفرین می‌باشد.

شومپیتر معتقد است که کار آفرینان لزوماً سرمایه دار نیستند ولی جذب کننده سرمایه از طریق ایده‌ها و طرحها و ابتکاراتشان می‌باشند. قوه ابتکار از ویژگیهای اصلی این گروه می‌باشد. ابتکار محصول اختراع است. اگر اختراع به معنی کشف و طرح واقعیتها و پدیده‌های علمی جدید است ابتکار بکارگیری آن و بهتر کردن آن است.

در این زمینه می‌توان به کشور ژاپن اشاره نمود. طی دو قرن اخیر بیشتر از ۹۰ درصد اختراعات در غرب صورت گرفته ولی کشور ژاپن همواره از این اختراعات کپی برداری کرده و حتی با قدرت ابتکار متخصصین فنی‌اش آن را اصلاح و بهتر کرده‌اند و در واقع ژاپن از اختراعات غربیها بیشتر از خودشان در پروسه تولید بهره گرفته‌اند.

بحث ابتکار با تکنولوژی عجین است و کار آفرین که همواره به دنبال ابتکار است باید خودش را به تکنولوژی روز مسلح کند.

■ چگونگی ایجاد طبقه کار آفرینان

در اینجا باید به نظریه ژنتیکی بدون کار آفرینی اشاره کرد و آن را نقد کنیم. طبق این نظریه چون کار آفرینی با ریسک‌پذیری و خلاقیت افراد رابطه مستقیم دارد، و چون این ویژگیها بیشتر ذاتی و ژنتیکی هستند تا اکتسابی، پس نتیجتاً کار آفرینی نیز ذاتی و ژنتیکی است.

این نظریه امروز اعتبار چندانی ندارد و امروزه کار آفرینی را تا حد زیادی اکتسابی می‌پندارند و بحث تربیت و ایجاد کار آفرینی نیز بر همین مبنا اعتبار دارد. طرفداران نظریه ذاتی بودن کار آفرینی، پیشرفت غرب را به برتری ژنتیکی و نژادی آنها نسبت می‌دهند و فاصله بسیار گروه ثروتمند و فقیر امروز دنیا را ناشی از تفاوت استعدادها و تواناییهای دو گروه دانسته‌اند. به همین علت آن را طبیعی می‌پندارند. ولی همان طور که گفتیم در نظریات جدید، کار آفرینی اکتسابی است و درصدی از ویژگیهای کار آفرینی که امروزه به شکل ذاتی در آمده است در واقع اکتسابی بوده و از نسلهای قبلی به تدریج به نسلهای جدید

انتقال یافته است و این به این معنی نیست که خداوند در آفرینش آدمیان استعدادها و تواناییهای متفاوت را به گروههای متفاوت آدمیان اعطا کرده باشد.

و همین تفاوت‌های ویژگیهای فردی کودکان نژادهای مختلف که به صورت ذاتی به نظر می‌آیند در واقع اکتسابی هستند و طبیعتاً با گذشت زمان قابل تغییرند.

با توجه به اینکه این مقاله به تربیت و ایجاد طبقه کارآفرین به عنوان مولدین اصلی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاکید دارد در اینجا به عوامل موثر بر ایجاد طبقه کار آفرین اشاره می‌گردد.

به اعتقاد شومپیتر کار آفرینی تابعی از اوضاع و احوال اجتماعی *Social climate* و به بیان بهتر کار آفرینی تابعی از ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. اگر وضعیت فرهنگی که برآیند سه عامل «تفکرات، تلقی‌ها و باورهای افراد جامعه» می‌باشد به صورت بسته و غیر منعطف باشد فرآیند کار آفرینی کمتر است. در زمینه عامل اجتماعی نیز اگر نهادهای اجتماعی باز باشد، یعنی افراد با توجه به لیاقتها، تحصیلات و توانایی‌هایشان صاحب فرصتها و مشاغل مهم شوند کار آفرینی بیشتر است. در جوامع بسته این روابط خانوادگی و طایفه‌ای و باندبازنها هستند که فرصتهای شغلی و تصمیم گیری جامعه را توزیع می‌کند و افراد نه به واسطه لیاقتهایشان، که به واسطه روابطشان در هرم قدرت به سوی رأس هرم صعود می‌کنند. شرایط و ویژگیهای اقتصادی جامعه نیز در رشد طبقه کار آفرین موثر است. رفتارهای اقتصادی هر جامعه اعم از رفتار مصرفی، پس انداز، سرمایه گذاری، میزان پذیرش ریسک توسط افراد جامعه، بافت اقتصادی (تولید، تجاری، خدماتی)، میزان دخالت دولت در امور اجتماعی و دهها عامل دیگر اقتصادی، عواملی هستند که درجه رشد طبقه کار آفرینان در جامعه دخیل هستند.

نکته مهم در نظریه شومپیتر دو طرفه بودن تاثیرات کار آفرینی و

کار آفرینان با استفاده از عوامل تولید (زمین، کار و سرمایه) و بهینه سازی کمیت و کیفیت و ترکیب عوامل تولید به دنبال روشهای جدید تولید با بهره وری بیشتر می‌باشند و شاید یکی از دلایل پایین بودن تولیدات کشورهای جهان سوم که عمدتاً در منابع عوامل تولید غنی هستند به همین عامل بر می‌گردد. به این صورت که در ترکیب این عوامل و سازماندهی تولید از طریق مدیریت صحیح و افزایش بهره‌وری ضعیف هستند.

شرایط اقتصادی اجتماعی و فرهنگی است. همان طور که ذکر شد این شرایط در کار آفرینی موثرند. به همین ترتیب کار آفرینان در تغییر و ایجاد شرایط جدید اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تاثیر دارند. کار آفرینان بافتهای اجتماعی و فرهنگی جامعه را تغییر و عوامل اقتصادی را به نفع خودشان عوض می‌کنند.

کار آفرینان شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه را بازتر می‌کنند. در قدم بعدی روابط و الگوهای خانواده را تغییر می‌دهند (به عنوان مثال اشتغال و حضور بیشتر زنان در جامعه). سپس جریان کار آفرینی بر فرد تاثیر می‌گذارد و افکار و رفتار و باورهای فرد را تغییر می‌دهد.

■ وضعیت کار آفرینی در ایران

ایجاد طبقه و گروه کار آفرینی در گرو خلق انگیزه و روح امید و تلاش در افراد جامعه است.

کیم ووچونگ کار آفرین کره‌ای و موسس کمپانی موفق دیوو در کتاب معروف و پر فروش خود در سنگفروش هر خیابان از طلاست، به چنین واقعیتی اشاره می‌کند: در مطالعه تاریخ شکوفایی وافول جوامع به این حقیقت می‌رسیم که در هر دوره ملتی انگیزه قوی و امید و تلاش به سوی پیشرفت و منافع ملی را تجربه کرده، در

مسیر توسعه و پیشرفت بوده و بر عکس در هر جامعه‌ای این انگیزه ملی وجود نداشته است و مردمان و بالاخص جوانان از عزم و شور ملی و حرکت جمعی به سوی اهداف توسعه کشورشان برخوردار نبوده‌اند دوره افولی را در پی داشته‌اند.

و بر این اساس هر جامعه و کشوری نتواند روح امید و تلاش و مبارزه را در جامعه‌اش بدمد محکوم به فناست.

شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل موفقیت اقتصادی آلمان و ژاپن پس از جنگ جهانی دوم که عملاً اقتصاد کشورشان به حد ویرانی رسیده بود همین روحیه قوی و به عبارتی «عزم بهترین بودن» مردمانشان بوده است و دولتهایشان نیز به چنین عزم و روحیه‌ای دامن زده و آن را تقویت می‌کرده‌اند.

حال با اشاره به این واقعیت به بررسی وضعیت کشورمان از لحاظ کار آفرینی می‌پردازیم. متأسفانه امروزه در کشورمان فرهنگ واسطه گری و دلالی به جای فرهنگ کار آفرینی رواج دارد و گرایش جوانان به کارهای مولد و آغاز فعالیت‌های تولیدی در هنگام انتخاب شغل کمتر مشاهده می‌شود و در عوض خیل جوانانی که متقاضی کار دولتی هستند و یا دنبال خرید و فروش و واسطه گری هستند در جامعه نمودارند.

انبوه فروشندگان و مغازه‌های مشابه و در کنار هم و یا پاساژها و بازارچه‌های حاشیه خیابانهای تمامی شهرهای کشورمان نشانگر بیماری اقتصادی کشورمان است. این جوانان که از انرژی و توان بالا برخوردارند می‌توانند با سرمایه‌های هر چند اندکشان تشکیل کانونهای تولید و اشتغال، پس انداز و کار آفرینی دهند. رواج چنین فرهنگی حستی در دانشگاههای کشور نیز متجلی است.

در ریشه یابی ایجاد چنین روحیه و تفکر، می‌توان به نقش مهم جنگ تحمیلی و شرایط اقتصادی ناشی از آن اشاره کرد. نابسامانیهای اقتصادی در حین جنگ و رکود فعالیت‌های تولیدی و کاهش سرمایه گذرای و بسیاری عوامل دیگر ناشی از جنگ سرمایه‌ها و

نیروهای کشور را به سوی کارهای غیر تولیدی و واسطه‌گری و خرید و فروش سوق دادم نو تاجران بسیاری که پایبند هیچ‌گونه اصول حرفه‌ای تجارت و بازرگانی شرافتمندانه نبودند با روشهای غیر انسانی و غیر شرعی به نظر احتکار و قاچاق، سودهای آن چنانی بر جیب زدند. در گروه تولید کنندگان نیز چنین عملکردی مشاهده گردید. به دلیل تخصیص ارز دولتی و خرید مواد اولیه خارجی به ارز دولتی و فروش این ارز و یا ماده اولیه ارزان در بازار آزاد، گروهی سودهای نامشروع قابل توجهی را تصاحب کردند. این عوامل ذهنیت یک شبه پولدار شدن را در جوانان جامعه ایجاد کرده و متأسفانه این پدیده بعد از چند سال تبدیل به عرف جامعه گردید. آری، اکثر جوانان امروز، به دنبال راههای سریع و سهل الوصول کسب درآمد می‌گردند و به همین دلیل نسبت به تولید و کارهای مولد بی‌توجه‌اند. نتیجه چنین شرایطی کاهش تولید سرانه در سال ۱۳۶۷ نسبت به سال ۱۳۵۶ به میزان ۵۰ درصد می‌باشد.

خیل فروشندگان و کسبه که اکثراً نیز از کسادی می‌نالند ولی دیدگاه و فرهنگ کار آفرینی را ندارند جامعه را به سوی اقتصاد خدماتی (و نه تولیدی) و فروش کالاهای وارداتی که اشتغال، ارزش افزوده و ثروت را برای تولید کنندگان خارج داشته سوق داده است. این واقعیت تحت عنوان بیماری وسیع بودن بخش خدمات در اقتصاد ایران نمایان است. در سال ۱۳۷۱ بالای ۵۰ درصد نیروی کار شاغل کشور در بخش خدمات و تنها ۲۲ درصد در بخش کشاورزی و ۲۷ درصد در بخش صنعت و معدن شاغل بوده‌اند. و تجمع سرمایه نیز که با شاخص نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی بیان می‌شود و یکی از شاخصهای مهم بیانگر وضعیت اقتصادی فردای کشورهاست در کشور ما یک بیماری مزمن بوده است. این رقم در طول برنامه اول ۱۰/۶ درصد بوده است. در حالی که برای کشورهای پیشرفته این رقم همواره بالای ۳۰ درصد است. (در سال ۱۳۵۶ این نسبت برای ایران رقم ۲۷/۴ درصد بود.)

کشورمان ایران امروزه بیشتر از هر زمان دیگر احتیاج به جوانانی جدی، کوشا و جسوری دارد که نیروهای جوانی و توان مالیشان را در فعالیتهای تولیدی بگذارند و از مشکلات و موانع متعدد موجود نهراسند و علاوه بر سود فردی به آینده مملکتی بیندیشند که فردا فرزندانشان در آن خواهند زیست. مملکتی که یکی از آغاز کنندگان تمدن بشری بوده و متأسفانه امروزه در حاشیه قدرت و ثروت جهانی قرار دارد.

ادامه چنین روندی برای کشور بسیار مضر و خطرناک است و امروزه یکی از اصلی‌ترین وظایف دولت و نهادهای اجتماعی، آموزشی و فرهنگی کشور سعی در تغییر این فرهنگ و جایگزینی فرهنگ کار آفرینی به جای فرهنگ واسطه‌گری و دلالی است.

■ نقش و برنامه‌های دولت در زمینه رواج کار آفرینی

در سالهای اولیه انقلاب به دلیل مشکلات استقرار اولیه نظام و سپس جنگ هشت ساله، فرهنگ کار آفرینی به شدت منزوی گشت و روحیه واسطه‌گری و خرید و فروش به جای تولید و کار آفرینی جایگزینی شد.

ولی با آغاز برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در سال ۱۳۶۸ و توجه به تولید و اعطای وام و اعتبارات به صنایع کوچک و آغاز کنندگان طرح‌های تولیدی، توسط وزارتخانه‌های مربوطه، گامهای اولیه به سوی ایجاد و تشویق گروه کار آفرینان برداشته شد. سیاستهای بسیار مفید و لازم‌حمایتی تولید، اعم از عافیت‌های مالیاتی، تخصیص آگاهانه ارز تامین مواد اولیه، و حمایت در برابر واردات کالاهای خارجی در این دوره اتخاذ گردید. زیرا جهت کمک به جریان کار آفرینی ادامه این اقدامات ضروری است.

البته در همان سالها نیز بسیاری از مشکلات تولید به مقررات، بروکراسی اداری و موانع بهره‌گیری از اعتبارات توسط کار آفرینان، بر می‌گشت.

علاوه بر این تغییرات مداوم مقررات بازرگانی و دولتی و هر از چند گاهی آزادی واردات کالاهای خارجی، هم چنین تک‌نرخ شدن ارز و به دنبال آن کاهش ارزش ریال نسبت به ارز خارجی و مشکل کمبود نقدینگی کشور به دلیل کاهش قدرت خرید مردم ناشی از شرایط تورمی و دهها عامل دیگر باعث رویگردانی افراد و سرمایه‌ها از جانب تولید گشت.

در برنامه دوم توسعه به نیروی انسانی به عنوان منبع داخلی سرمایه تاکید بیشتری شده است. این در حالی است که در برنامه اول به سرمایه‌گذاری خارجی و درآمدهای نفتی بیشتر تاکید شده بود و به نظر می‌رسد برنامه نویسان با جریان جهانی بها دادن روز افزون به نیروی انسانی و افزایش بهره‌وری آنان در جریان تولید که دارای مفاهیم مشابهی با بحث کار آفرینی است، همسو شده‌اند.

به عقیده شولتس نظریه پرداز توسعه، یک واحد سرمایه‌گذاری به آموزش نیروی انسانی هفت واحد بازدهی را افزایش می‌دهد. و امروزه در جهان صنعتی توجه به سرمایه‌گذاری بر افراد و آموزش آنها بسیار بیشتر از سرمایه‌گذاری روی خرید و تولید ماشین آلات انجام می‌گیرد. در برنامه دوم بودجه جاری و عمرانی بخش آموزشی (که بخشی از آن می‌تواند صرف ایجاد و آموزش کار آفرینی شود) رشدی معادل ۱۲۰ درصد از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۷ برخوردار است (۴۶۸۸۱/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ به ۱۰۳۰۲۰/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۷). همان طول که مشهود است در زمینه تخصیص بودجه و تامین اعتبار برای سرمایه‌گذاری روی نیروی انسانی برنامه دوم از سیاستی قابل قبول برخوردار است. اما انتقاداتی که بر برنامه دوم همانند برنامه اول وارد است کم توجهی به نهادهای اجتماعی و فرهنگی لازم برای ایجاد بستر توسعه (و کار آفرینی) و

افزایش بازدهی نیروی انسانی است. برنامه دوم نیز مانند برنامه اول کاملاً دیدی اقتصادی دارد و به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی توسعه کشور، کم توجه است.

■ پیشنهادها

با توجه به تاکید اصلی مقاله بر جنبه فرهنگی لازم برای ایجاد شرایط ظهور کار آفرینان پیشنهادهاى زیر در زمینه گسترش عوامل فرهنگی موثر بر ایجاد بستر کار آفرینی آرایه می‌گردد.

الف: نقش مطبوعات

رواج فرهنگ کار آفرینی، معرفی کار آفرینان برجسته و تبلیغ بر زندگی آنها و چاپ مقالات در این زمینه از خدماتی است که مطبوعات کشور می‌تواند در گسترش فرهنگ کار آفرینی نصیب کشورمان سازد. یکی از دلایل عملکرد بهتر و پیشرفت سریعتر اقتصاد امریکا نسبت به انگلستان را تبلیغ بیشتر امریکاییها بر زندگی معرفی کار آفرینانشان و تبدیل این شخصیتها به قهرمانان جامعه‌اشان می‌دانند.

ب: نقش صدا و سیما

امروزه قدرت عظیم صدا و سیما در رواج اندیشه‌ها و مطرح کردن موضوعات به عنوان بحث روز جامعه به کسی پوشیده نیست. در همین راستا تهیه برنامه‌های مربوط به کار آفرینان، ساختن فیلمها و سریالها در مورد زندگی کار آفرینان برجسته کشور و تشویق توده مردم نسبت به حرکت به سوی چنین هدفی از یک و تبدیل کار آفرینی به ارزش در جامعه از سوی دیگر از جمله فعالیتهایی است که صدا و سیما می‌تواند در دستیابی به این هدف انجام دهد.

ج: کتابها و متون درسی

با وارد کردن مضامین کار آفرینی در کتابهای درسی می‌توان بذر ایجاد انگیزه و شور درونی به سوی هدف کار آفرینی را در کودکان امروز و اداره کنندگان فردای مملکت پاشید.

شرایط و ویژگیهای اقتصادی جامعه نیز در رشد طبقه کار آفرین موثر است. رفتارهای اقتصادی هر جامعه اعم از رفتار مصرفی، پس انداز، سرمایه گذاری، میزان پذیرش ریسک توسط افراد جامعه، سافت اقتصادی (تولید، تجاری، خدماتی)، میزان دخالت دولت در امور اجتماعی و دهها عامل دیگر اقتصادی، عواملی هستند که درجه رشد طبقه کار آفرینان در جامعه دخیل هستند.

د: روز کار آفرین

با معرفی یک روز به عنوان روز کار آفرین (همانند روز معلم و یا پرستار) به کار آفرینان بها داده و به عمل با ارزششان ارزش و اعتبار می‌بخشیم.

ه: نماز جماعات و مساجد

روحانیون، ائمه جمعه و مبلغین مذهبی به دلیل نفوذ بالایشان در مردم مسلمان و مذهبی، ایران می‌توانند نقشی بزرگ را در حرکت مردم به این جهت ایفا کنند.

■ و کلام آخر

کشورمان ایران امروزه بیشتر از هر زمان دیگر احتیاج به جوانانی جدی، کوشا و جسوری دارد که نیروهای جوانی و توان مالیشان را در فعالیتهای تولیدی بگذارند و از مشکلات و موانع متعدد موجود نهراسند و علاوه بر سود فردی به آینده مملکتی بیندیشند که فردا فرزندانمان در آن خواهند زیست.

مملکتی که یکی از آغاز کنندگان تمدن بشری بوده و متاسفانه امروزه در حاشیه قدرت و ثروت جهانی قرار دارد. ایران اسلامی امروز احتیاج به جوانانی دارد که تشکیل کانونهای تولید، پس انداز و اشتغال در جامعه دهند و آینده‌ای روشن و اقتصادی متکی بر تولید و نه متکی بر مصرف کالاهای خارجی ناشی از ارز نفتی که چندی بیش از عمرش باقی نمانده است را نوید دهند.

و دسترسی به این هدف مقدس در دستان برومند کار آفرینان ایرانی است.

زیر نویس

۱. چنین مطالعاتی در کشورمان نیز وجود داشته و خوشبختانه در چند سال اخیر از سوی بعضی مراکز تحقیقاتی و مجلات تخصصی تشدید گردیده است.

۲. در ادامه شومپیتر که خود از نظریه پردازان طرفدار نظام سرمایه داری است چنین استنباط می‌کند که حرکت کار آفرینی چون همواره باید در حرکت باشد، با اتمام نهادهای اجتماعی و فردی به بن بست رسد.

۳. البته جنگ یکی از عوامل مهم ایجاد فرهنگ واسطه گری است و ریشه یابی دقیق تر بررسی و مطالعه موشکافانه در تاریخ قرن اخیر را می‌طلبد.

4. Hooshang Amirahmadi, Revolution and economic transtion.

۵. گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۱، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۳.

۶. علینقی خاموشی، برنامه اول توسعه، دستاوردها و کاستیها.

۷. هوشنگ امیر احمدی. ارزیابی عملکرد برنامه اول و چالشهای برنامه دوم. اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۹۴ و ۹۳.

۸. ایجاد شرایط کار آفرینی و فراهم ساختن بستری مناسب برای آن نیاز به سیاستهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. و هر کدام از این شاخه‌ها احتیاج به بحث و مطالعه جداگانه‌ای دارد. در این مقاله بر بستر فرهنگی لازم، تاکید گردیده است.



بدین شرح اعلام گردیده است:

۱۳۶۸	۱۳۷۵	افزایش (+) و - درصد دوره ۷ ساله
۵۲۲۵	۸۰۱۵	۵۲/۴ + (۱/۵ برابر رشد)
۱۳۲۰۹	۲۱۷۸۱	۵۲/۴ + (۱/۵ برابر رشد)
۲۹۹	۱۷۲۱	۲۸۲/۳ + (۵/۸ برابر رشد)

اسلام و مالکیت در مقایسه با نظام‌های اقتصادی غرب. چاپ تهران، بدون تاریخ، ص ۲۵۱ - ۱۵۰ (تاریخ تخمینی ۱۳۶۰)

۳ آیت‌اله صدر، سیدمحمدباقر. نظریه پرداز اسلامی - «اقتصاد اسلامی»، نقل از کتاب اقتصاددانان بزرگ جهان

۴. نظریه پردازان غیر اسلامی درباره تعاون جهانی:

الف: اقتصاددانان بزرگ. مارک بلاک، ترجمه حسن گلریز، نشر نی ۱۳۷۵

ب: دایره المعارف بریتانیکا، چاپ لندن ۱۹۶۳

۵. کتابهای زیر: (پایان نامه‌های دکتری از ایران و فرانسه):

۱. اقتصاد تعاون. عبدالله جوانشیر. درباره مکتبهای تعاونی جهان، ۱۳۴۳، ترجمه از زبان فرانسه
۲. بخش و فروش کالا در ایران. سیدموسی میرهادی راد. ۱۳۵۳ این پایان نامه دارای دو بخش تعاونی و خصوصی است.
۳. اعلام: در این نوشتار به خاص نظریه شخصیتها استادان فن اشاره شده است: اسامی سه تن از آنان به این شرح است:

1. ROBERT - OWEN
(۱۷۷۱ - ۱۸۵۸) بنیانگذار واقعی شرکت‌های تعاونی «مصرف» در انگلیس بوده است و فکر او بعد از درگذشت وی، موجب تشکیل اتحادیه‌های تعاونی بین‌المللی گردید.
2. CHRE'S - FOURRIER
(۱۷۷۲ - ۱۸۳۷)، فکر و اندیشه ایجاد تعاونی‌های تولیدی از ابتکارات فوریه است که مبتنی بر حذف واسطه است. وی متفکر تعاونی فرانسه است.

3. SAINT - SIMON, HENRI.
(۱۷۶۰ - ۱۸۲۵) سن سیمون پارسی است، او در تاریخ را دارای مراحلی از توسعه می‌داند که مؤثر در فضای روشنفکری اروپا گردیده. به مالکیت جمعی ابزار تولید معتقد نبوده ولی این نوع مالکیت را در اقتصاد سوسیالیستی پذیرفته‌اند. لذا تجزیه و تحلیل‌های این استادان از اقتصاد تعاونی کاملاً مغایر با اقتصاد سوداگرانه است، فرهنگ تجاری را از فرهنگ اقتصادی خود، خارج ساخته‌اند. و این امر نشان می‌دهد که در عهد آنان فرهنگ تجاری موازی سودجویی افراطی بوده است.

استوار است، تعاون و همیاریهای بسیجی در حکومت اسلامی ایران شاخص تعاون بی‌مرز است، یعنی صورتی از همیاریها و مشارکت‌های همگانی و عام که بر وفق قرارداد اجتماعی، عملاً به هنگام نیاز، تحقق می‌پذیرد.

۲-۵. تعاون قانونمند:

ایجاد ساختار سازمانی و اجرایی، تحت پوشش نوسازی و توسعه، برای رفع احتیاجات مشترک گروه‌های کار - در شاخه‌های تولید، توزیع و خدمات - در بخش‌های کوچک و بزرگ جامعه با ویژگی درون‌زایی و اشتغال مولد همه امکانات تولیدی و طبیعی برای افزایش درآمد و تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی است. تعاون قانونمند در یک عبارت؛ ضرورتی برای تأمین سرمایه از طریق تجهیز منابع مادی و انسانی برای ایجاد تأسیسات و تجهیزات در ساختارهای زیربنایی و در جهت فقرزدایی و محرومیت از نیروی کار می‌باشد.

۳-۵. نتیجه‌گیری:

نقطه حرکت توسعه اقتصادی و اجتماعی در همگرایی انسانها با فرهنگ متعالی تعاون و مشارکت‌های دسته‌جمعی است که استراتژی توسعه هماهنگ را در زمینه رشد حرفه‌ای و اشتغال جمعی پدید می‌آورد. این «راهبرد»، تجسم ارزشهای ملی است و حاصل این ارزشها در تولید ناخالص ملی به رقم و عدد ارائه می‌شود. خلاصه آنکه کار جمعی عامل واقعی ثروت و درآمد است و سرمایه‌ی نه تنهایی، زندگانی بهتری برای ملتها فراهم نمی‌آورد.

پی‌نوشتها و منابع

۱. قانون اساس و قانون تعاون جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۵۸ و ۱۳۶۹)
۲. آیت‌اله طالقانی، سید محمود موسوی.

این ارقام، نمودار پوشش تعاونی اکثریت جمعیت روستایی و عشایری و همچنین زیر پوشش قرار گرفتن اکثریت کارگران، کارمندان و جمعیت نواحی هر یک از شهرکهای و شهرهای کشور وسیله شرکت‌های تعاونی شهر، کارگری و فعالین نقاط روستایی و عشایری در زیر بخشهای کشاورزی، صنعتی، معدنی و خدماتی است. تعاون از نظر ایجاد فرصتهای کار و کسب و مبارزه با محرومیت و فقر، در گذشته مفید و مؤثر واقع شده است، با این همه، هنوز به درجاتی نرسیده است که از جهات اقتصادی توسعه یافته به شمار آمده، ارزشهای اجتماعی و اقتصادی خود را در سازماندهی فضائی کشور یعنی در ابعاد منطقه‌ای و جهانی احراز و به ویژه نقش اقتصادی قابل محاسبه‌ای به دست آورند، و از این دیدگاه، هنوز فاصله بسیاری با بخش غیر تعاونی کشور دارند.

در وضع موجود، دانشهای فنی و تخصصی تعاونیها ضعیف است و نتیجه آن، نقصان بهره‌وری نیروی انسانی در شرکت‌های تعاونی است. بنابر این از عمده‌ترین شرایط مشارکت تعاونیها در توسعه ملی، ارتقای کیفیت‌ها در سازماندهی است.

۵. تعاون بی‌مرز و تعاون قانونمند:

نتیجه‌گیری و تلفیق و نتایج‌گیری از به عنوان، تلفیق و نتایج‌گیری از فرهنگ شایسته تعاون و مشارکت‌های اجتماعی و اقتصادی و همچنین ضرورت ورود به مسائل بنیانی تعاون و توسعه اقتصادی به تبیین دو شکل طبیعی و گزینشی آن پرداخته می‌شود:

۱-۵. تعاون در شکل طبیعی، بی‌مرز بوده است:

در تاریخ ادیان به ویژه دین اسلام، تعاون فراتر از حدود انفاق و ایثار است و هر اصول انسانی صداقت و آزادی

